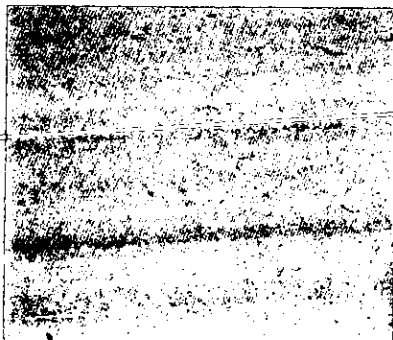




طوط موازی ابران

نویسنده

یوسفی

استاد

بهمن

www.ketab.ir

سرشناسه : ترجمه یوسفی، سمانه، ۱۳۶۱-
 عنوان و نام پدیدآور : خطوط موازی عایران/نویسنده سمانه ترجمه یوسفی.
 مشخصات نشر : مشهد: معلا، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۲۶-۶۲-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : داستان های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۶خ ۴۴۳ / PIRV۹۹۴
 رده بندی دیسی : ۸۶۳/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۹۷۴۷۲

خطوط موازی عایران

ناشر انتشارات معلا

صفحه آرایی و خدمات چاپ
 طراح جلد و گرافیک
 نوبت و تاریخ انتشار
 لیتوگرافی، صحافی و چاپ
 شابک
 قیمت

۰۹۱۵۳۱۵۶۶۱
 سمانه
 اول / اسفند
 دقت ۰۵۲۰۵۲۱۳۱۲۵۰۵۲
 ۷۸-۹۶۴-۷۶۲۶-۶۲-۰
 ۵۵۰۰ تومان

فهرست

۶۹	ته کلاس	۹
۷۱	آدمک چوبی	۱۲
۷۳	دستمال های کثیف	۱۶
۷۶	خط خطی	۲۰
۷۹	خطوط موازی	۲۴
۸۰	حلوای بی بی	۲۷
۸۲	روسری بالدار	۳۰
۸۳	تارهای سیاه شب	۳۳
۸۴	هم خالی این اتاق	۳۷
۸۵	عصا و مرد	۴۰
۸۶	نفس های باد	۴۵
۸۷	عبور می کنند عبور	۵۳
۸۸	موش کفن هزارا ساله	۵۶
۸۹	عروسکم نباش	۶۰
۹۱	سیاهی غروب	۶۳
۹۴	چرخ و فلک	۶۵

پدر خوب می دانست

حلقه های پاره

شش های کاچی

بایه های رنگی

قسمت فر و آبی

ریحان های د

پرواز د

گره خورد

چوب های دودی

دمپایی

خط های زنجیر

رد دست های او

دامنه

آیته های می شکنند

اعداد به هم ریخته

گره سبز

هو الخالق

اگر صنعتگری سازه ای بسازد و به کار نیاید یا هنرمندی به خلق اثری بپردازد و مورد استفاده قرار نگیرد یا شاعر و داستان نویسی مجموعه ای را گرد آورده باشد و به مخاطب نرسد برای صاحبان آن اثر تاسف بارتر از آن است که اصلاً آن را نیافریده باشد.

اینکه اثری خلق شود چقدر مورد توجه قرار گیرد به عوامل گوناگونی بستگی دارد که بحث دیگری را می طلبد اما یک نویسنده ی علاقه مند و با استعداد اگر نتواند آفرینش ادبی خود را ارائه دهد حداقل آسیب و ضرری که نویسنده می بیند کم فروغ شدن انگیزه های تولید و ابتکار است. ما بر آن هستیم که جوانان پر شور و با استعداد ما دوره های ادبیات وسیع استی، ادبیات پوچ، ادبیات مبتذل و ... را در تاریخ پر شتاب و پر فراز و فرود معاصر پشت سر گذرانده و دوره طلوع معنویت و حماسه را با جان سپردن به عبور از شیده و عقلانیت جمعی را تجربه کرده و قصد آن دارد تا میوه های روح انگیز را با زبان ادب و هنر ارائه دهد که خوشبختانه جوانه های امید بخشی روئیدن گرفته است. چاپ و نشر آثار جوانان حتی محصول تلاش های کارگزاران آنان مثل همین اثر که یکی از چهارده اثر کارگاهی داستان نویسان خراسان است به اعتماد به نفس آنها و اشتیاق برای ادامه ی کار انشا الله مفید فایده خواهد بود. این کارها با نظر و کوشش استاد علی اکبر ترابیان که مدرس ادبیات فارسی و ادبیات کلاسیک و تدوین شده و با همت فرهنگسرای آریو مصطفی نژاد و حمایت حوزه هنری خراسان رضوی به چاپ رسیده است. امیدواریم با اظهار نظر صاحبان قلم، این سیاست فرهنگی قوی تر به کار خود ادامه دهد.

مهناز علایی کاخکی

مسئول واحد فرهنگی هنری
فرهنگسرای آریو مصطفی نژاد

سید جواد رفائی

رئیس حوزه هنری خراسان رضوی



بنگاه فرهنگی سلی نادر
فرهنگسرای آریو مصطفی نژاد

سال ۸۱ بود که کلاسهای داستان نویسی استاد ترابیان، بهانه ای شد برای خلق داستان کوتاه. داستان کوتاه که نمی شد گفت، بهانه ای بود برای خالی کردن تراوشات ذهنی ام روی کاغذ.

کلمات وحشی ای که در صفحاتی محبوس می شدند و نام داستان کوتاه را به یدک می کشیدند.

با نام نویسنده، آنجا آشنا شدم، وقتی که مرا خطاب می کردند به این نام چه حس قهنگی بود روزهای جوانی ام...

و تازه آنجا آموختم می شود نگاه کرد، حرف زد، و گاهی فریاد کشید. آموختم! اما فریادی زده ام و نه نگاهم را به رسوایی زمانه فروخته ام.

نور یک کت بلند در تنگنای گلویم نهفته است و امروز فرداست که شهر و آبادی، بلند پیش پست کلمات دیوانه ام بشنوند.

این دفتر که پیش کشی است به جستجوگری چشم های شما، تنها و تنها همان کلماتی است که ۱۰ سال گذشته است که می نوشتم.

سیاه مشق هایی که در روزهای آتی ام یاری خواهند کرد.

امسال سال ۹۱ است و ملاقات دوباره ام با استاد ترابیان بعد از گذشت ۱۰ سال، باز بهانه ای شد که بغض فریادهایم را آتش فرو برم و بدانم می شود به فردا چشم دوخت، به آسمانهای آبی ای که نگاهم را به دانه های چشم ها دنبال می کنند.

این کلمات داستان نیستند و فقط یادآوری یک مستند برای خودم که روزی قلم را روی کاغذهای تشنه سر می دادم و امروز یادداشت آن قلمم فکر کنم که چقدر

پیر شده و بهانه ی مرا می گیرد.

به اندازه ی تارهای سپیدی که روی شقیقه هایم توی آبی باقی مانده می خورند تقدیم می کنم به نگاههای آبی یتان، کلمات سیاه را...

بیهوده خط چشم نکشید، وقتی که چشم هایتان، خود سیاه می زنند...
و سپاس از استاد واژه ها و کلمات، استاد قصه ها، استاد علی اکبر ترابیان.